

آشنایی با
هنر پرمایه نوشتن
براساس مفاهیم و اصول تفکر انتقادی

ریچارد پل و لیندا الدر

ترجمه‌ی پیام یزدانی



نشر اختران

فهرست

پیشگفتار ۹

بخش نظری

- ۱۱ فرض این کتاب
- ۱۱ نوشتن و خواندن
- ۱۳ پرماه نوشتن
- ۱۳ مشکل نوشتن و دست‌گرایانه
- ۱۴ نوشتن اندیشه به
- ۱۵ نوشتن به منظور ذهن و دوزخ
- ۱۸ نوشتن جمله‌ها
- ۱۸ نوشتن به منظور آموختن
- ۱۹ پرمایه نوشتن در رشته‌های درسی
- تشخیص ربط انگاره‌های بنیادی یک نظام
- ۲۱ با انگاره‌های بنیادی نظام‌های دیگر
- ۲۲ نوشتن در زمینه‌ی رشته‌های درسی
- ۲۴ کار نوشتن
- ۲۴ پرسشگری در حین نوشتن
- ۲۶ بی‌مایه نوشتن

بخش عملی

- ۲۹ تمرین‌هایی برای پرمایه نوشتن
- ۳۱ نقل به معنا
- ۳۳ راهبردهای واضح‌سازی

۳۴	نمونه‌ی نقل به معنا
۳۶	نقل به معنا کردن گفتاوردهای کوتاه
۴۲	نقل به معنا و واضح‌سازی ممتن‌های پرمایه
۶۱	تفکر در مورد مفاهیم ناسازگار
۶۵	بررسی مفاهیم کلیدی در رشته‌های درسی
۷۳	تحلیل نحوه‌ی استدلال
۸۲	ارزیابی استدلال

پیوست‌ها

۸۵	پیوست یک: منطق یک مقاله
۸۸	پیوست دوم: ارزیابی استدلال نویسنده
۹۰	پیوست سوم: آموزش نحوه‌ی ارزیابی متن به دانش‌آموزان

پیشگفتار

این را کم و بیش همه می‌دانند که «نوشتن از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که هر درس‌آموزی باید یاد بگیرد». اما کم‌اند کسانی که متوجه باشند کلید درک محترم درسی هم همین نوشتن است؛ یا به عبارتی «سازوکاری که به واسطه‌ی آن درس‌آموز یاد می‌گیرد دانسته‌هایش را به هم ربط دهد و جاهای خالی دانشش را پر کند». از آن هم کم‌ترند کسانی که متوجه باشند «درس‌آموز اگر قرار باشد چیزی یاد بگیرد باید با جزئیات سروکله بزند، با داده‌ها کلنجار ببرد، و اطلاعات خام و مفاهیم نیم‌فهمیده را هضم کند و به زبانی برگرداند. برای دیگران هم فهمیدنی باشد». به عبارت دیگر «درس‌آموز اگر بخواهد چیزی یاد بگیرد باید بنویسد». این‌ها همه نکاتی است که در گزارش «هینت کشوری: رسی نگارش در مدارس و کالج‌های آمریکا» (نیویورک تایمز، ۵ اوریل ۲۰۰۳) بر آن تأکید شده، و در ادامه آمده است که نگارش «در حال حاضر در بیش‌تر مدارس آمریکا به شکل اسف‌باری نادیده گرفته می‌شود». علاوه بر این، در همین مقاله‌ی نیویورک تایمز ذکر شده که «در پژوهشی که در ۲۰۰۲ در کالیفرنیا در مورد دانشجویان کالج صورت گرفت، معلوم شد که بیش از نیمی از آن‌ها نمی‌توانند استدلال‌ها را تحلیل کنند، اطلاعات را کنار هم بگذارند، و متنی بنویسند که به لحاظ نگارشی به طرز قابل قبولی کم غلط باشد».

اینکه دانش‌آموزان و دانشجویان نویسندگان ضعیفی هستند علتش این نیست که نمی‌توانند خوب نوشتن را یاد بگیرند؛ بلکه به این دلیل است که هیچ وقت مبانی درست نوشتن را نیاموخته‌اند. چیزی که کم دارند انضباط

فکری است و راهبردهایی برای بهبود نگارش. چرا؟ چون آموزگاران خودشان هم نگرش روشنی درمورد ارتباط میان نوشتن و آموختن ندارند، و از طرف دیگر نگران وقتی هستند که باید صرف ارزیابی و نمره دادن به تکالیف نوشتنی بکنند.

اما با درک مفاهیم اصلی تفکر انتقادی می‌توان برای این دو مشکل را حلی یافت، یعنی:

(۱) نظریه‌ای که درست نوشتن و درست اندیشیدن را به کسب دانش پیوند بزند، و

(۲) روشی برای طراحی تکالیف نوشتنی، طوری که لازم نباشد مدرس تک‌تک آن‌ها را تصحیح کند.

پرورش مهارت‌های دانشی، مانند همه‌ی مهارت‌های فکری دیگر، تنها به واسطه‌ی نظریه‌ی درست و ممارست پیوسته میسر می‌شود. اگر درس‌آموزان رابطه‌ی میان آموختن و نوشتن را بفهمند، و تمرین مداوم نوشتن با استفاده از تمهیدات تدریس انتقادی را جدی بگیرند، آنگاه می‌توانند محتواهای درسی را عمیق‌تر و مستقرب‌تر درک کنند و به تدریج توانایی‌شان را در انتقال اندیشه‌های مهم به دیگران به‌درد بخشنند.